



لادن اعتضادی، دکتری
معماری، استادیارگروه تاریخ
ومرمت ابنیه، دانشگاه شهید
بهشتی.
l.etezadi@gmail.com

دریچه‌ای به باغ ایرانی

اهمیت پژوهش‌های چندجانبه در باغ ایرانی

چکیده: باغ ایرانی پدیده‌ای تاریخی است که شناخت آن تنها به آگاهی داشتن از سیر تحول باغ‌سازی و اطلاعات شکلی و سبکی محدود نمی‌شود. باغ ایرانی محتوایی دارد و براساس خیالی پدید آمده است. خیال باغ ایرانی چیست و چه نسبتی با کالبد آن دارد؟ آیا می‌توان از تنوعات شکلی و ساختار یگانه باغ ایرانی سخن گفت؟ گستره تاریخی و جغرافیایی بسط باغ ایرانی چیست؟ مهم‌تر اینکه با کدام پیش‌فرض‌های متقن می‌توان به تحقیق در موضوع باغ ایرانی پرداخت؟ در این رابطه پرسش‌ها متعدد و متنوع و به تبع آنها موضوع تحقیق و منابع نیز متنوع است. امروز کشف ساختار، کالبد و همه ویژگی‌های کمی و کیفی باغ ایرانی نیازمند تحقیقات پرحاشیه و جدی براساس رویکردهای متناسب با موضوع است و پرسش بنیادین و مقدم بر سؤالات دیگر این است که "از باغ ایرانی چه می‌دانیم و مصادیق آن را در کدام گستره جغرافیایی یا محدوده تاریخی جستجو می‌کنیم؟"

کشف همه وجوه باغ ایرانی برای شناخت جامع آن لازم است و این امر نیازمند تعریف موضوعات متنوع برای تحقیق در باغ ایرانی است. طرح پرسش‌های درست و شناخت منابع متعدد و متنوع و توجه به رویکردهای متناسب هر موضوع، لازمه چنین تحقیقی است. چرایی تحقیق در باغ ایرانی با فهم معنای تداوم حضور تاریخی آن و معنای جهانی باغ ایرانی روشن می‌شود و در پی آن گستره وسیع موضوعات، سؤالات و منابع تحقیق در باغ ایرانی مطرح خواهد شد. در این راستا شناخت و انتخاب درست روش و رویکرد تحقیق از الزامات است.

واژگان کلیدی: تحقیق، باغ ایرانی، باغ اسلامی، تاریخی - فرهنگی، زیست محیطی، تداوم تاریخی، سنت باغ‌سازی.



تصویر ۱

مقدمه

اکنون که باغ ایرانی با ماهیت و ویژگی‌های خاصش به ثبت جهانی میراث فرهنگی رسیده و بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، جای خالی پژوهش‌های دامنه‌دار و عمیق درباره این پدیده تاریخی - فرهنگی از سوی محققان و صاحب‌نظران ایرانی که زاده این فرهنگ و بوم هستند، محسوس است. امروز، وظیفه سنجش نظریات مطرح شده از جانب بیگانگان و تحقیق در موضوعات مغفول و مبنی بر سؤالات جدید بر عهده ما است. باغ ایرانی میراثی فرهنگی است که لازمه تحقیق در آن، از سویی تسلط به مباحث تاریخی - فرهنگی^۱ و از سوی دیگر توجه به موضوعات زیست‌محیطی و معیشتی در نظام‌های متنوع زیست در تاریخ و جغرافیای ایران^۲ است. تنوع موضوعات بسیار است: باغ ایرانی را می‌توان در محدوده یک موضوع تاریخ معماری، تاریخ شهر یا معماری منظر مورد پژوهش قرار داد و نیز آن را به مثابه یک امر هنری یا موضوعی در حوزه کشاورزی و باغبانی، یک مورد زیست‌محیطی، نمونه‌ای از بسط جغرافیایی یک پدیده یا مصداقی از نفوذ فرهنگی یک تمدن به سرزمین‌های دیگر مطالعه کرد. هر کدام از این عرصه‌ها، منابع، روش‌ها و رویکردهای مناسب خود را دارد.

باغ‌سازی در ایران، پیشینه‌ای بس کهن دارد و تنها اندکی بیش از نیم قرن است که تغییر شیوه زندگی موجب شده باغ‌سازی به سیاق پیشین، در ایران کمرنگ شود. اما هنوز خاطره جمعی باغ ایرانی زنده است و برخی مصداق به جای مانده خاطره آن را زنده نگاه داشته است. به همین دلیل در دهه‌های اخیر معماران، شهرسازان و معماران منظر به احیای باغ ایرانی علاقه‌مند شده‌اند، اما بعضاً شاهد ظهور تقلیدهای فرمال خالی از محتوا در طرح‌های معماری و شهرسازی هستیم که در مقیاس‌های نادرست یا بسته‌های نامناسب برای فعالیت‌ها و کارکردهایی متفاوت و بعضاً مغایر با ماهیت ذاتی باغ ایرانی اجرا می‌شوند.

احیای سنت دیرینه باغ‌سازی مقبول جامعه است، در نتیجه دست‌یابی به شناختی درست از آن ضرورت دارد. مقاله حاضر با هدف تبیین لزوم و چگونگی تحقیق همه‌جانبه در موضوع باغ ایرانی و مبتنی بر چند پیش‌فرض تدوین شده است: باغ ایرانی پدیده‌ای تاریخی با پیشینه‌ای کهن است. ساخت و پرداخت و زندگی در باغ ایرانی تداوم تاریخی داشته و امری مختوم در گذشته‌های دور نیست. کمرنگ شدن حضور باغ ایرانی در دوران معاصر اتفاق افتاده ولی خاطره جمعی آن در ذهن ایرانی هنوز زنده است.

بخش‌های مقاله به ترتیب در تبیین تاریخی سنت باغ‌سازی ایرانی، تنوع موضوعی، سؤال‌های تحقیق، معرفی گستره وسیع منابع و اشاره به رویکردهای مناسب تحقیق، سامان یافته‌اند.

معنای تداوم تاریخی باغ ایرانی و اهمیت آن

باغ ایرانی پدیده‌ای کهن است که امروزه نیمه جانی دارد با خاطره‌ای زنده در ذهن ایرانیان. علاوه بر برخی مستندات

تاریخی، داستان‌ها و اساطیر ایرانی نیز گواهی بر این پیشینه‌اند. یاد و توصیف باغ در داستان‌ها و حضور مفاهیمی مرتبط با باغ در امثال و حکم و در فرهنگ عامه نشان از خاطره جمعی آن نزد ایرانیان دارد و تا چند دهه پیش که نظام سنتی کشاورزی و شیوه زندگی جامعه ایرانی درگیر تغییرات دوران معاصر نشده بود، شاهد ساخت باغ‌ها و زیستن در آنها بوده‌ایم.

بر اساس تحقیق در تاریخ معماری، شهرسازی و باغ‌سازی ایران و جهان و با استناد به منابع موجود، می‌توان معنای تداوم تاریخی باغ ایرانی و اهمیت آن را تبیین کرد.

بنابر تاریخ تمدن، قدیمی‌ترین مردمانی که باغ‌سازی کرده‌اند مصری‌ها بوده‌اند. باغ‌های مصری را تا حد زیادی از روی نقوش و متون باقی‌مانده از آن تمدن می‌توان باز شناخت و راجع به هندسه، طرح، عناصر و کیفیت و کاربرد آنها بسیار دانست. اما باغ‌سازی مصری اکنون امری خاتمه یافته است که با تمدن مصر باستان افول کرده و در نتیجه عدم تداوم تاریخی به یک «سنت»^۳ زنده تبدیل نشده است. در تمدن چین قدیمی‌ترین سند، متن شعری قدیمی در توصیف باغ‌های تفریحی، مربوط به حدود چهارصد سال پیش از میلاد است.^۴ گرچه قدمت باغ چینی بسیار کمتر از باغ مصری است، اما باغ چینی بر خلاف باغ مصری با تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی‌اش، به یک سنت تبدیل شده است که تا امروز ادامه دارد.

از میان تمدن‌های کهن در جهان یونانی - رومی، باغ‌سازی از آن روم است. در تاریخ یونان باستان، گرچه صحبت از باغ‌هایی چون آکادمی افلاطون یا بعضی محوطه‌های مقدس شده است، اما شواهد باستان‌شناختی و یا مباحثی در منابع تاریخی به دست نیامده است که بر اساس آن بتوان یونان را آنچنان که مادر تمدن و فرهنگ اروپایی شمرده می‌شود، مادر باغ‌سازی اروپا به شمار آورد. به نظر می‌رسد باغ‌های یونانی (Kapoi) از نوع طراحی‌شده نبوده‌اند چرا که در تاریخ هنر، معماری و شهرسازی یونان سخنی از آنها نیست. باغ‌های دوران هلنیستی نیز یونانی نبوده‌اند.^۵ دلیل دیگر در اثبات این موضوع، گزارش همراه با شگفتی «گزنفون» از ساخت باغ‌های ایرانی به دست «کورش» پادشاه هخامنشی است.^۶ یونانیان باغ‌های فاخر^۷ شبیه به پردیس‌های ایرانی نداشته‌اند و به همین سبب واژه «پردایز» فارسی برای توصیف یک عینیت و کیفیت جدید به زبان و فرهنگ یونانی رفته و از آن به زبان و فرهنگ‌های اروپایی نفوذ می‌کند.^۸

بالعکس در تمدن روم که وام‌دار فرهنگ و تمدن یونان است شاهد ویلاسازی‌های اشراف و امپراتوران در بیرون شهرها هستیم که مصداقی از باغ‌سازی رومی و آغازی برای پا گرفتن سنت باغ‌سازی شمال مدیترانه‌اند.^۹ کاربری، خصوصیات طراحی و سبک ویلاهای رومی، علی‌رغم دوره هزار ساله‌ای که به بوتاه فراموشی سپرده شده بود^{۱۰}، در دوره رنسانس احیا می‌شود و در باروک اوج می‌گیرد و تا امروز شاهد حضور مبانی آن در معماری منظر غربی هستیم، در نتیجه می‌توان آن را سنت زنده باغ‌سازی مدیترانه‌ای دانست.

در بین‌النهرین باغ‌داری در یک زیست‌بوم متکی به کشاورزی جهان باستان پدید آمده و مراحل تکاملی آن احداث باغ‌های شاهی بوده است.^{۱۱} اما پرآوازه‌ترین باغ شاهی بین‌النهرین باغ‌های معلق (مطبق) بابل است که تاریخ و افسانه، علت ساخت و نیز الگویی را به ایرانیان زاگرس‌نشین (مادها) نسبت می‌دهند.^{۱۲} با از میان رفتن تمدن بین‌النهرین، نشانی از الگوی باغ‌های شاهی، اثری از حدائق معلقه و شاهدهی بر تداوم زیست هیچ‌کدام از آنها باقی نمی‌ماند.

باغ‌سازی در تمدن باستانی ایران تقریباً هم‌زمان با دوران کلاسیک یونان اوج می‌گیرد. قدیمی‌ترین سرنخ، باغ‌های معلق بابل بر رواج باغ‌سازی نزد مادها پیش از هخامنشیان دلالت دارد. سرنخ‌های دیگر را می‌توان در تاریخ اساطیری و افسانه‌ای ایران جستجو کرد که قدمت باغ‌سازی ایرانیان را به دوران پیش از تاریخ می‌برد.^{۱۳} پس از آن و در دوره هخامنشی، سند تاریخی مکتوب، شرح گزنفون از باغ‌سازی کورش و سند باستان‌شناختی بقایای باغ پاسارگاد است. با توجه به اینکه مدارک قدمت باغ‌سازی ایرانی را به کهن‌ترین دوره‌های تاریخی نسبت می‌دهد، سایر شواهد نیز حکایت از ریشه‌دار بودن این پدیده در فرهنگ ایرانی دارند. مهم‌تر از قدمت، تداوم تاریخی باغ‌سازی ایران است که برخلاف نمونه مصری یا بین‌النهرینی دچار افول نشده است بلکه مانند نمونه چینی و رومی شاهد بسط تاریخی و جغرافیایی آن هستیم. به گواهی اسناد و شواهد، باغ‌سازی ایرانی، سنتی است که نه تنها در ایران، بلکه در جهان اسلام نیز تداوم پیدا می‌کند.^{۱۴} به این ترتیب می‌توان ادعا کرد جهان امروز میراث‌دار سه سنت باغ‌سازی چینی، رومی و ایرانی است.^{۱۵} سنت باغ‌سازی رومی به واسطه تداوم تاریخی پس از رنسانس آن و بسط و نفوذ جغرافیایی‌اش در اروپا و جهان تا دوران معاصر اهمیت دارد. اهمیت باغ‌سازی چینی در آن است که در مسیر تداوم تاریخی خود، در گستره جغرافیایی شرق دور بسط پیدا کرده و با فرهنگ‌های متنوع محلی درآمیخته و در هر جا سبک محلی خود را مبتنی بر جوهره اصلی به دست آورده است.

اهمیت باغ‌سازی ایرانی نیز به واسطه تداوم تاریخی و حضورش در گستره جغرافیایی عظیمی است که در هر جا رنگ و بوی محلی را با حفظ جوهره اصلی به خود گرفته است.^{۱۶} امتیاز سنت باغ‌سازی ایرانی نسبت به سنت چینی آن در وجه جهانی آن در گستره وسیع و متنوع تمدن اسلامی است و امتیازش بر سنت رومی آن است که علی‌رغم غلبه مکرر بیگانگان بر سرزمین مادر، دوران انقطاع نداشته است. بنابر مستندات مکتوب پس از حمله اعراب و در قرون اولیه اسلامی همچنان شاهد تداوم ساخت باغ در ایران هستیم.^{۱۷} کشف راز این تداوم حضور و عدم افول، از جهات مختلف از موضوعات مهم تحقیق در باغ ایرانی است. باغ ایرانی پس از اسلام به واسطه وجه معنایی‌اش با آموزه‌های دین جدید همسازی پیدا می‌کند و تمثیل بهشتی می‌شود که قرآن وعده آن را داده

است. در نتیجه ساخت آن نزد مسلمانان ادامه پیدا می‌کند. غالب محققان تنها به این وجه معنایی باغ ایرانی پرداخته‌اند اما تأکید به تحقیقات پر دامنه‌تری برای فهم سنت باغ ایرانی که در قالب باغ‌سازی‌های مسلمانان در عصر تاریکی اروپا، به عنوان سنتی در جهانی که از آندلس تا مرزهای چین رواج داشت^{۱۸} نیاز است.

باغ ایرانی و میزان شناخت ما از آن (تنوع موضوعات و پرسش‌های تحقیق)

باغ ایرانی محدود به هندسه و کالبد نیست بلکه این صورت محتوایی دارد و براساس خیالی پدید آمده است. اگر گفته می‌شود باغ ایرانی برآمده از خیالی واحد است، عینیت آن در زمان و مکان چقدر ثابت بوده یا چگونه متحول شده است و تنوعات شکلی و کالبدی آن چیست؟ ساختار آن چگونه است و هندسه‌اش بر چه مبنایی است؟

تا امروز آنچه از باغ ایرانی می‌دانیم کلیاتی است غالباً متکی بر تحقیقات بیگانگان که امکان خطا و نقص در آنها منتفی نیست^{۱۹}. اما خوشبختانه در سال‌های اخیر شاهد آغاز تحقیقات جدی در سطوح مختلف، از سوی محققان ایرانی هستیم و امید است با گسترش دامنه موضوعات تحقیق و جستجو برای کشف مصادیق ناشناخته و رجوع به منابع متنوع مستقیم و غیرمستقیم تدریجاً پرده از زوایای مختلف پدیده تاریخی - فرهنگی باغ ایرانی برداشته شود.

باغ ایرانی جلوه‌ای فرهنگی و محصول تجربه تاریخی زیست در این سرزمین است و تحقیق در آن نیازمند تحقیق در فرهنگ، شهرنشینی، معماری و هنر ایران است. پس برای شناخت آن پرسش‌های متنوعی مطرح است: نسبت باغ ایرانی با زندگی عامه مردم یا نسبت آن با زیست‌بوم‌های متنوع ایران چیست؟ نسبت باغ ایرانی با مجتمع‌های زیستی ایرانی چگونه است؟ آیا باغ‌سازی در ایران نسبتی با شهرنشینی و شهرسازی ما داشته است؟ باغ ایرانی با باغ‌داری چه نسبتی دارد؟ بانیان و سازندگان باغ ایرانی چگونه انسان‌هایی بوده‌اند؟ نسبت کمیات و کیفیات باغ ایرانی با زمینه^{۲۰} تاریخی - اجتماعی که در آن پدید آمده چیست؟ چگونه می‌توان راجع به خیال باغ ایرانی صحبت کرد^{۲۱}؟ آیا تنوعات شکلی و غیرشکلی باغ ایرانی را می‌شناسیم؟ هندسه و فضای کیفی باغ ایرانی چه نسبتی با هم دارند؟ معماری در باغ چه نسبتی در خلق کیفیت فضایی دارد؟ ساختار باغ ایرانی چیست؟ چهارباغ چیست و چرا با باغ ایرانی هم‌زاد پنداشته می‌شود^{۲۲}؟

هر پرسشی به تعریف موضوعی برای تحقیق می‌انجامد که نیازمند رجوع به منابع خاصی است. تشخیص منابع امری سهل و ممتنع است که هم مرتبط با موضوع و سؤال و هم در راستای نوع رویکرد محقق است.

گستره منابع تحقیق

طرح سؤال‌هایی از همه جوانب، منجر به تعریف موضوع‌های متنوع و تعدد و گوناگونی منابع می‌شود. تعیین و تشخیص منابع هر تحقیق علاوه بر موضوع، با رویکرد علمی محقق نیز نسبت دارد و روشن است که هر رویکرد، روش^{۲۳} خاص خود را دارد. منابع را می‌توان به مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. در بین منابع مستقیم، خود آثار مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع است، یعنی آنچه از باغ به صورت عینی باقی‌مانده است یا آنچه در منبعی مکتوب یا شفاهی یا به صورت تصویری درباره باغ یافت می‌شود. اما می‌دانیم که عین باغ فی‌حدو ذاته در معرض تخریب و نابودی است و مطالعات باستان‌شناسی یا تحقیقات میدانی معماری برای کشف و فهم چند و چون آن چندان جوابگو نیستند. در ایران تاکنون برنامه تحقیق باستان‌شناختی برای

کشف باغ‌های باستانی^{۲۴} وجود نداشته است. اکنون گمان‌هایی در مورد وجود باغ‌های وابسته به برخی بناهای باستانی وجود دارد که تنها در حد فرضیه‌ای برای موضوع تحقیق می‌تواند مطرح شود.

هر چه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم حضور عینی مصادیق و اطلاعات تصویری، نوشتاری و شفاهی در مورد آنها بیشتر می‌شود. برخی از این آثار سال‌هاست که شناخته شده و تحقیقاتی درباره آنها انجام شده است اما بسیاری از آنها گمنام و پنهان در گوشه و کنار ایران، آخرین سال‌های عمر خود را سپری می‌کنند. دیگر وظیفه پیش روی ما کشف و تحقیق در مورد آنهاست، چه بسا که مطالب مهمی را بر ما روشن کنند.

برخی آثار تاریخی از حوزه جغرافیای امروز ایران خارج‌اند اما گزارش‌ها یا اسنادی از آنها در دست است. اینها نیز شایسته بازنشانی و بررسی‌اند. بسیاری از آنها در زمره باغ‌های اسلامی از سوی محققان غربی مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. اما اکنون از اهم وظایف ما تحقیق مجدد و همه‌جانبه در این دسته از باغ‌ها به قصد سنجش نظریه‌های محققان بیگانه در مورد آنها است^{۲۵}.

گستره منابع تحقیق پس از مصادیق عینی، شامل متون، تصاویر، نقشه‌ها، تاریخ شفاهی، افسانه‌ها، اساطیر، امثال و حکم و بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگی از جمله هنرهای بصری است که هر یک می‌تواند گوشه‌هایی از حقایق کمی و کیفی باغ ایرانی را بر محققان روشن گرداند. به طور مثال در کشف و فهم کیفیات فضایی باغ ایرانی قطعاً شواهد باستان‌شناختی چیزی زیادی به دست نمی‌دهند. حتی مصادیق تاریخی موجود به علت رابطه ابرکتیو محقق با آنها و دور شدن مصداق از زندگی تاریخی‌اش و تغییراتی که در آن پیدا شده است، نمی‌توانند وجوه کیفی باغ را آن‌چنان که بوده است بیان کنند. در حالی که اشعار فارسی به شیواترین صورت بیانگر کیفیات باغ هستند. این اشعار یا جزء منابع مستقیم‌اند مانند اشعار عابدی بیک^{۲۶} یا غیرمستقیم مانند اشعار با موضوعات بزمی یا عرفانی که حال‌وهوای باغ و حتی برخی جزئیات کمی را از آنها می‌توان استخراج کرد. این منابع چون غالباً باغ ایرانی را خارج از محدوده زمان و مکان توصیف می‌کنند، در واقع کلیات ذاتی و جوهر باغ را آنچنان که خیال آن در ذهن ایرانی شکل گرفته است بیان می‌کنند و شاهدهی بر وحدت کیفی و معنایی باغ ایرانی هستند.

رجوع به منابع ادبی و شعر نیازمند به کار بردن روش‌های تأویلی و پدیدارشناختی و بعضاً روش تفسیر تاریخی است. مثلاً روش تأویلی اسطوره‌شناختی برای داستان‌های شاهنامه و روش‌های تأویل عرفانی برای غزلیات حافظ و سعدی و مولانا کارساز است. اما برای قصایدی که در پی مدیحه‌سرایی پدید آمده‌اند و در آنها توصیف عینیات و کمیات غالب است، کاربرد استقرا، قیاس و تفسیر تاریخی مناسب به نظر می‌رسد. اشعار بزمی و عاشقانه را به روش تفسیر تاریخی و بعضاً تأویلی می‌توان رمزگشایی کرد.

منابع مکتوب برای استخراج وجوه عینی و کمی باغ ایرانی، منابعی در حوزه معماری منظر باغ، کشت و ورز، باغبانی و طراحی گیاهان و درختان آن هستند^{۲۷}. در این حوزه تحقیق منابع غیرمستقیم هم باری دهنده‌اند^{۲۸}.

از منابع تصویری، مینیاتورها شواهد تاریخی تصویرگری باغ‌اند. در این تصاویر چه باغی واقعی را تصویر کرده باشند، چه باغی خیالی، هم‌نشینی عینیت و خیال باغ ایرانی را می‌توان مشاهده کرد. حتی بسیاری از مینیاتورها که باغ را تصویر نمی‌کنند، بیانی از طبیعت در ساحت خیال انسان ایرانی‌اند. نقشه‌ها و عکس‌ها از جمله سایر منابع تصویری به شمار می‌روند. خواندن و فهم آنها نیز نیازمند تأمل و دقت، مقایسه و تطبیق، رجوع به متون، تصاویر دیگر و شواهد متعدد است.

باغ ایرانی یک جلوه فرهنگی ریشه‌دار و تأثیرگذار است که در سایر مظاهر فرهنگی ایران از جمله بسیاری از هنرهای بصری^{۲۹} یا روایی هم جلوه‌گری می‌کند. این آثار بایستی به مثابه منابع تحقیق مد نظر قرار گیرند. حوزه روایی شامل افسانه‌ها، اساطیر، داستان‌ها، امثال و حکم و مثل‌ها در فرهنگ عامه است و حوزه هنرهای بصری از سفال و کاشی‌کاری تا تذهیب و قالی‌بافی و... گسترده است. رجوع به هر دسته از منابع با رویکرد و روش مناسب، از وظایف محقق باغ ایرانی است تا با هر گامی در راه به باغ ایرانی بگشاید^{۳۰}.

جمع‌بندی

دارباغ و دم‌مرسان هد آحیات

شناخت جامع باغ ایرانی نیازمند تحقیقات دامنه‌دار براساس موضوعات متنوع است. موضوعات تحقیق در باغ ایرانی محدود به سیر تحول تاریخی یا سبک‌شناسی نیست. باغ ایرانی میراثی فرهنگی و حاصل تجربه تاریخی زیست در سرزمین ایران است و تداوم تاریخی و بسط جغرافیایی آن سنتی را در باغ‌سازی جهان پدید آورده است. گستره موضوعی تحقیق در باغ ایرانی از زمینه‌های زیست‌محیطی و تاریخی - فرهنگی، تا حوزه‌های معماری، شهرسازی، هنر، ادبیات و فولکلور را دربر می‌گیرد. در این گستره می‌توان به جستجوی پاسخ برای پرسش‌های بسیار متنوع برآمد: از چیستی خیال باغ ایرانی و جوهره آن، کیفیات فضایی باغ تا کمیاتی چون نظام کرت‌بندی، نحوه کشت گیاهان و درختان، نحوه آبیاری، پرندگان، گیاهان، آب، خاک، نسیم، عطر و بو، رنگ و حال و هوایی که بر می‌انگیزد، جلوه بازی‌های آب، نور و سایه، عطر و رنگ تا کیفیت حضور بنا در باغ، رابطه معماری و فضای باز و انواع معماری در باغ، نسبت باغ با شهرنشینی ایران و رابطه باغ با کشاورزی و نقش سرزمینی و عمران و آبادانی باغ.

تعیین موضوعات تحقیق از پی طرح سؤالات درست اتفاق می‌افتد و دامنه سؤال‌ها از کوچک‌ترین جزئیات کمی تا بزرگ‌ترین مفاهیم و معانی نوسان دارد. در راستای تحقیق، شناخت منابع متعدد و متنوع گامی بنیادین است. تنوع پرسش‌ها و طیف گسترده آنها ایجاب می‌کند محقق، آگاه از روش‌ها و رویکردهای مناسب برای هر موضوع باشد و براساس آن به منابع مستقیم و غیر مستقیم رجوع کند. ■

پی‌نوشت

۱. از تاریخ معماری تا تاریخ فرهنگی - اجتماعی.
۲. در میان سه نظام شهری، روستایی و ایلی، باغ را باید در نظام روستایی و شهری و رابطه بین آنها مورد تحقیق قرار داد.
۳. «سنت» (Tradition): امریست در تداوم و انتقال از نسلی به نسل دیگر.
۴. نک: Keswick, ۱۹۸۶: ۳۱.
۵. باغ‌سازی هلنیستیک یونانیان در سرزمین‌های مفتوحه، متأثر از سنت‌های بومی بین النهرین، ایران و مصر بوده و سرزمین اصلی یونان باغ‌سازی نداشته است.
۶. گزنفون می‌گوید: ایرانیان باغ‌ها (Kepoi) را Paradoisei می‌گویند.
۷. باغ‌های بین النهرین، چین، مصر، ایران و ویلاهای رومی را که عموماً باغ‌های تفریحی هستند، می‌توان به واسطه اهمیت طراحی در آنها باغ‌های فاخر نامید.
۸. این واژه در زبان‌های اروپایی نفوذ کرده و یک الگو و مفهوم فرهنگی را انتقال داده است. نک: ساینتملی، ۱۳۸۷.
۹. باغچه‌سازی در داخل پرسیستیل‌های رومی که در زمره نمونه‌های اولیه طراحی منظراند، در مقیاس باغ نیستند.
۱۰. پس از سقوط امپراتوری روم در قرن پنجم میلادی تا آغاز رنسانس در قرن پانزدهم میلادی.
۱۱. نک: Jellicoe & Jellicoe, ۱۹۹۵.

A Window to the Persian Garden

Significance of Multifaceted Researches on Persian Garden

Ladan Etezadi, Assistant Professor, Department of Architectural History and Conservation, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. l.etezadi@gmail.com



Pic 1

Pic1: A garden house in Neishabour, Iran. Photo: Ladan Etezadi, 2001.

Abstract: The Persian Garden is a historical phenomenon, yet studying its development over time or its formal and stylistic variations does not yield to a full understanding. The Persian Garden is not delimited in its geometry or physicality; it holds a content, or khayal, upon which it is created. But what is this khayal and how does it relate to its physicality? Is it appropriate to claim it a single structure out of many formal variations? What is the historical and geographical extent of Persian Garden? More importantly, what are valid and reliable assumptions based on which one can attempt to study Persian Garden? There are quite numerous questions as well as resources. Illustrating the structure, physical reality, and qualitative/quantitative properties of the Persian Garden calls for a broad and serious research with a correct approach—whose first question shall inevitably be, “what do we know of the Persian Garden?,” or “inside what historical/geographical boundaries should its examples be sought?” Learning about different aspects of the Persian Garden is a must toward its comprehensive understanding, which requires defining a range of different subjects for this matter. Designing correct questions, finding abundant resources, and picking the right approaches are the essential requirements for such researches. The historical continuity of its presence as well as its universal meaning justifies such research about it, calling for a broad range of questions and resources on the subject of the Persian

Garden. However, knowing the right method and picking up the correct approach in this regard is a must.

Keywords: Research, Persian garden, Islamic garden, Historical-cultural, Environmental, Historical continuity, Gardening Tradition.

Reference list

- Abdi beik Shirazi, Z.A. (1974). Dohat-al sefat. Moscow: Danesh.
- Abdi beik Shirazi, Z.A. (1974). Rozat-al sefat. Moscow: Danesh.
- Abu Nasre Heravi, Gh. (1968). Ershad- al Zera-e. Edited by: Mohammad Moshiri. Tehran: University of Tehran.
- Alami, M. (2008). Bagh ha-ye shahi-ye safavi [Safavid royal gardens]. *Golestan-e honar* (12): 48-68.
- Babur Shah, Z.M. (1890). *Babur Nameh* (Manuscript). Translated by: Beiram Khan. Tehran: Library of Parliament.
- Beheshti, M. (2008). Bagh-e Irani va khial [Persian garden and imagination]. *Golestan-e honar* (12): 16-29.
- Beheshti, M. (2008). *Ghazal-e Bagh-e Irani* [Ode of Persian garden]. *Golestan-e honar* (11): 7-15.
- Brooks, J. (1987). *Gardens of Paradise: The History and Designs of the Great Islamic Gardens*. London: Weidenfeld & Nicolson Ltd.
- Ghayoomi Bihendi, M. (2008). Bagh ha-ye Khorasan dar tarikhe- Baihaqi [Khorasan gardens in Baihaqi's history]. *Soffeh* 17(46): 5-28.
- Jellicoe, G & Jellicoe, S. (1995). *The Landscape of Man: Shaping the environment from prehistory to the present day*. London: Thames Hudson Ltd.
- Keswick, M. (1986). *The Chinese Garden*. New York: Martin's Press.
- Petruccioli, A. (1994). *Il Girdino Islamico : architettura, natura, paesaggio*. Milano: Electa.

شناخت جامع باغ ایرانی نیازمند تحقیقات دامنه‌دار براساس موضوعات متنوع است. موضوعات تحقیق در باغ ایرانی تنها به سیر تحول تاریخی یا سبک‌شناسی محدود نمی‌شود. باغ ایرانی میراثی فرهنگی و حاصل تجربه تاریخی زیست در سرزمین ایران است و تداوم تاریخی و بسط جغرافیایی آن سنتی را در باغ‌سازی جهان پدید آورده است. برای شناخت جامع باغ ایرانی، کشف همهٔ وجوه آن لازم است. این امر نیازمند تعریف موضوعات متنوع برای تحقیق در باغ ایرانی است.

- ۱۲. نک: دهخدا ذیل «باغ های معلق» و نیز «حدائق معلقه».
- ۱۳. نک: شاهنامه، داستان ورجمگرد یا داستان سیاوش و نیز، خسته نظامی از جمله خسرو و شیرین .
- ۱۴. در نظریه ارجاع ریشه باغ‌سازی جهان اسلام به باغ‌سازی ایرانی، محققان غالباً براساس شباهت شکلی و تعمیم الگوی چهارباغ به قضیه پرداخته‌اند در حالی که مستندات مهمی معطوف به نفوذ فرهنگ ایرانی در جهان اسلام و حتی شواهدی دال بر تداوم باغ‌سازی در قرون اولیه اسلام در سرزمین‌های ایرانی و سپس فراتر از آن موجود است که باید مستندات تحقیق در این زمینه قرار گیرند.
- ۱۵. فرضیه سه سنت باغ سازی در جهان در پی سال‌ها مطالعه در تاریخ معماری، شهر و منظر از نظر نگارنده بنابر دلایل و مستنداتی که مختصراً به آنها پرداخته‌شد، اثبات شده است. نیز نک: بهشتی، ۱۳۸۷.
- ۱۶. از اولین سده‌های اسلامی و نه تنها در سرزمین اصلی ایران که تا غربی‌ترین و شرقی‌ترین سرزمین‌های تمدن اسلامی.
- ۱۷. نک: قیومی، ۱۳۸۷.
- ۱۸. نک: کتاب‌های *Gardens of Paradise* و *Earthly Paradise*.
- ۱۹. نک: سابتلی، ۱۳۸۷. در کنار اشارات محققانه مؤلف به بسط الگوی چهارباغ در دوران تیموریان شاهد تکرار اشتباه در نسبت دادن طرح چهارباغ به پاسارگاد هستیم. امروزه نظریه استروناخ در مورد چهار باغ پاسارگاد رد شده است.

Context

- ۲۱. نک: بهشتی، ۱۳۸۷ (غزل باغ ایرانی و جهان باغ ایرانی) و سابتلی، ۱۳۸۷.
- ۲۲. نک: سابتلی، ۱۳۸۷ و عالمی، ۱۳۸۷ و سایر مقالات وی. نیز رجوع کنید به طرح‌های مصادیق باغ ایرانی در منابع مختلف.
- ۲۳. **Approach & Method**
- ۲۴. به جز پاسارگاد که وضعیت دقیق کالبدی و پوشش گیاهی و بسیار مطالب دیگر در باره آن هنوز در پرده ابهام است.
- ۲۵. نک: Petruccioli, ۱۹۹۴ و Zangheri این محققان باغ‌های جهان اسلام را در تداوم باغ ایرانی دانسته‌اند.
- ۲۶. خسته عبدی بیک از جمله دوحه الازهار و نیز روضه الصفات.
- ۲۷. به طور مثال: بابرنامه، ارشادالزراعه و خسته عبدی بیک را می‌توان نام برد.
- ۲۸. همچون تاریخ‌نامه‌ها، تذکره‌ها، خاطرات و سفرنامه‌ها
- ۲۹. از قالی‌بافی تا سفالگری و از کاشیکاری تا حکاکی و حجاری و...
- ۳۰. از جمله منابع غیرمستقیم نک: آل علی، ۱۳۷۰ و شفا، ۱۳۸۵.

فهرست منابع

- ابونصر هروی، قاسم ابن بوسف. (۱۳۴۷). *ارشادالزراعه*. تصحیح محمد مشیری، تهران: دانشگاه تهران.
- آل علی، نورالدین. (۱۳۷۰). *اسلام در غرب: تاریخ اسلام در اروپای غربی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۷). *جهان باغ ایرانی*. *گلستان هنر* ۱۲: ۱۵-۷.
- بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۷). *غزل باغ ایرانی*. *گلستان هنر* ۱۱: ۱۲-۸.
- سابتلی، ماریا اوا. (۱۳۸۷). *باغ ایرانی و خیال*. *گلستان هنر* (۱۲): ۲۹-۱۶.
- شفا، شجاع‌الدین. (۱۳۸۵). *ایران در اسپانیا: نقش ایران در تمدن و فرهنگ اسپانیا و اروپا*. ترجمه: مهدی سمسار. تهران: نشر گستره.
- ظهیرالدین محمد بابرشاه. (۱۲۶۹). *بابرنامه* (نسخه خطی). ترجمه: بیرام خان. چاپ سنگی، ۱۳۰۸ ه.ق. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- عالمی، مهوش. (۱۳۸۷). *باغ‌های شاهی صفوی*. *گلستان هنر* ۱۲: ۶۸-۴۸.
- عبدی بیک شیرازی، زین‌العابدین. (۱۳۵۳). *دوحه الازهار*. مسکو: اداره انتشارات دانش.
- عبدی بیک شیرازی، زین‌العابدین. (۱۳۵۳). *روضه الصفات*. مسکو: اداره انتشارات دانش.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۷). *باغ‌های خراسان در تاریخ بیهقی*. *مجله صفه* ۱۷ (۴۶): ۲۸-۵.